

هدف کلی: توانایی گزارش از چگونگی شکل گیری فلسفه در تاریخ انسان

اهداف آموزشی

توانایی توضیح درباره نامشخص بودن ابتدای تاریخی فلسفه
تبیین نظرات برخی فیلسوفان اولیه
تبیین دیدگاه فیلسوفان اولیه از عنصر اولیه جهان

طراح: مجتبی محمودی
دبیر فلسفه و منطق شهرستان ایزده
سال تحصیلی: ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹

۴

آغاز تاریخی فلسفه

«در یک رودخانه دوبار نمی توان شنا کرد» ← این جمله منسوب به هراکلیتوس است

این جمله که برای بسیاری از اهل فکر و اندیشه به صورت ضرب المثل درآمده، خاستگاه فلسفی دارد. شبیه این جمله فراوان است و ما گاه و بی گاه آنها را بر زبان جاری می کنیم، گرچه ممکن است ندانیم از چه تاریخی وارد فرهنگ بشری شده است.

همین جمله متعلق به یکی از فیلسوفان قدیم است که در حدود ۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، یعنی ۲۵۰۰ سال قبل می زیسته است.

آغاز اندیشه های فیلسوفانه و تفکرات فلسفی، محور اصلی این درس است. از این طریق می توانیم ریشه بسیاری از اندیشه هایی را که اکنون در میان ما رایج است، بشناسیم و به سابقه تاریخی آنها پی ببریم.

1- آیا آغاز اندیشه بشر مربوط به زمان و مکان خاصی است؟ توضیح دهید؟

2- چرا نمی توانیم تاریخ دقیقی از آغاز فلسفه ارائه دهیم؟

3- نظر سهروردی را درباره ی حکیمان و فیلسوفان ایران باستان بیان کنید؟

بیشتر بدانیم

در کتاب‌های تاریخی و آثار گذشته از حکیمی به نام «هرمس» یاد شده است و بسیاری او را پدر حکمت و فلسفه دانسته‌اند. از آنجا که زندگانی و افکار هرمس چندان روشن نیست، نمی‌توان درباره‌ی وی قضاوت کرد؛ شخصیت هرمس در مجموع از اسطوره تا واقعیت در نوسان است. در افسانه‌های یونان از او به عنوان یکی از خدایان یاد شده است. مصریان هم او را یکی از حکمای خود می‌شمرده‌اند.

برخی از دانشمندان اسلامی، هرمس را همان ادریس پیامبر دانسته‌اند. کتابی هم درباره نفس باقی‌مانده که برخی آن را از وی می‌دانند (بابا افضل کاشانی آن را به فارسی ترجمه کرده است).

از نظر سهروردی (فیلسوف مسلمان قرن ششم) هرمس منشأ حکمت یا سوفیا بود که ایرانیان، از طریق حکمایی مانند کیومرث و فریدون و کیخسرو، از آرای او بهره‌مند شدند و سرانجام، در دوره اسلامی با تعالیم حکمت اشراق به مرحله‌ای از کمال رسید.

ملاصدرا (فیلسوف بزرگ قرن یازدهم) نیز هرمس را پدر فلاسفه و استادان نامیده است. نظامی نیز در منظومه اسکندرنامه (خرندنامه) از او این گونه یاد می‌کند:

همان هفتمین هرمس نیک رای
که بر هفتمین آسمان کرد جای



خیر، برای دانش فلسفه نمی‌توان، از نظر زمانی آغازی تعیین کرد. همان طور که نمی‌توان گفت فلسفه ابتدا در کدام سرزمین پدید آمده است. البته، این سخن درباره همه دانش‌ها صادق می‌کند.

بی‌تردید هر جا که تمدنی شکل گرفته کسانی هم بوده‌اند که درباره اساسی‌ترین مسئله‌های هستی و زندگی بشر می‌اندیشیده و سخن می‌گفته‌اند، گرچه آثار مکتوبی از آنان به ما نرسیده باشد و ما اطلاعی از آن اندیشه‌ها و سخن‌ها نداشته باشیم (برخی از تمدن‌ها آن قدر قدیمی‌اند که در اثر گذر زمان و آمد و شد حوادث، آثار تمدنی آنها از بین رفته است. همین قدر می‌دانیم که تمدن‌های قدیم‌تر و ساده‌تر، مقدمه و پلکان شکل‌گیری تمدن‌های جدیدتر بوده‌اند و دستاوردهای آنها به تمدن‌های جدیدتر منتقل شده است. با توجه به این دلایل، اطلاعات امروز ما به هیچ وجه نمی‌تواند تاریخ دقیقی از آغاز فلسفه ارائه دهد؛ ما تنها می‌توانیم براساس آثار باقی‌مانده، گزارشی اجمالی از دورترین اندیشه‌های فلسفی ارائه کنیم.)²

گزارش‌ها حکایت از این دارد که ایران باستان یکی از سرزمین‌های فلسفه خیز بوده و حکیمان و فیلسوفانی خدایرست در ایران می‌زیسته‌اند (سهروردی که از فیلسوفان بزرگ دوره اسلامی است، معتقد است که در دوره کیانیان انسان‌های وارسته‌ای بوده‌اند که هم به حکمت و فلسفه می‌اندیشیدند و هم دارای سلوک معنوی بوده‌اند. این حکیمان اندکی پیش از فیلسوفان دوره یونان باستان و برخی نیز هم‌زمان و پس از آنان می‌زیسته‌اند.)³

در تمدن‌های باستانی دیگر، مانند تمدن‌های چین، هند، بین‌النهرین و مصر نیز که پیش از تمدن یونان شکل گرفته‌اند، کم و بیش حکمت و فلسفه رواج داشته و آثاری که حکایت از تفکر در مسائل بنیادین هستی داشته باشند، به جای مانده است، مانند (ویانیشادها که شامل متون متعدد هندو است¹ و گاتاها² که سروده‌های زرتشت می‌باشد.)⁴

1. تاریخ ادیان و مذاهب جهان، عبدالله مبلغی، جلد اول، بخش ادیان و مذاهب هندوستان. کلمه اوپانیشاد به معنای نشستن دورهم در جای پنهان و خصوصی است و به همین دلیل می‌توان آن را گفت‌وگوهای انجمن پنهان ترجمه کرد.

2. گاتاها، آبتین ساسانفر، دنیای نشر کتاب.

4- در کدام تمدن‌ها که پیش از تمدن یونان شکل گرفته‌اند، کم و بیش حکمت و فلسفه رواج داشته است؟

5- دو مورد از آثاری که حکایت از تفکر در مسائل بنیادین هستی داشته باشند را نام ببرید؟

تفکر در عبارات

عبارت های زیر از برخی حکمای قدیم نقل شده است.

۱ باید «خود» را نگاه کرد، به «خود» گوش کرد، به «خود» اندیشید و در توجه به خود غرق شد. با نگاه کردن، گوش دادن، اندیشیدن و واقعیت دادن به «خود» است که هر چه که هست شناخته می شود. **خود شناسی** اوپانیساد ۴

۲ بی حدوبی تمام، پابر جاست بی صدا و بی جسم، تنها ایستاده است و تغییر رانمی شناسد... من نام او رانمی دانم برای نامیدن است که او را تائو می نامم. باز حمت سعی دارم از چگونگی او خبر بدهم، او را بزرگ می خوانم. **خدا شناسی** لائوتسه

۳ در آغاز، دو معنا بودند که آنها را توأمان می شناسند و یکی نیک و دیگری دروغ (= شر) است، در اندیشه، در گفتار و در کردار. از میان این معنا، هشیاران، نیکی را انتخاب می کنند، نه گمراهان. **جهان شناسی** اوستا، یسنا ۳۰

در این سه عبارت تفکر کنید و بگویید که هر عبارت به چه موضوع بنیادین و فلسفی اشاره دارد.

۲- زادگاه فلسفه یونان در کجا بود و مباحث فلسفی از چه زمانی پایه گذاری شدند؟

فلسفه در یونان

۱ (نخستین مجموعه ها یا قطعه هایی که به زبان فلسفی نگاشته شده یا جنبه فلسفی در آنها غلبه داشته، از یونان باستان به یادگار مانده است. به همین جهت از سرزمین یونان به عنوان مهد تفکر فلسفی یاد می کنند. در آنجا بود که دانش فلسفه شکل گرفت و تفسیر جهان با روش عقلانی رایج شد.)^۱

۲ (البته زادگاه فلسفه یونانی بخشی بود از سرزمین یونان باستان واقع در غرب آسیای صغیر (کشور ترکیه کنونی) که «یونیا» نامیده می شد. در اینجا بود که در حدود شش قرن پیش از میلاد مباحث فلسفی پایه گذاری شد و اولین فیلسوفان یونان با به عرصه وجود گذاشتند) در آغاز شکل گیری فلسفه، آنچه بیش از هر چیز این اندیشمندان را به خود مشغول می داشت، (دگرگونی هایی بود که پیوسته در جهان طبیعت رخ می داد. آنها کوشش می کردند تا به دیدگاهی دست یابند که بتوانند به درستی این دگرگونی ها را از نظر عقلی، تحلیل کنند) البته اندیشمندانی که در آن دوره بودند، فقط به تفکر فلسفی نمی پرداختند. آنان دانشمندانی بودند که کم و بیش با مجموعه علوم زمان خود،

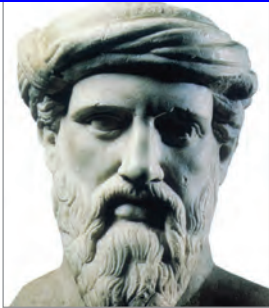
۳- در آغاز شکل گیری فلسفه، آنچه بیش از هر چیز ذهن اندیشمندان را به خود مشغول می داشت چه بود؟^{۱۰. Ionia}

- 1- مورخان فلسفه چه کسی را نخستین اندیشمند یونانی می دانند که اندیشه فلسفی مشخصی داشته است؟ **تالس**
- 2- تالس چه چیزی را دقیقاً پیش بینی کرده بود؟
- 3- از نظر تالس اولین عنصر و پایه و اساس سایر چیزها چیست؟ **اب**
- 4- چرا تالس معتقد بود که همه چیز، در نهایت، از آب ساخته شده است؟



تالس در سال ۵۸۵ پیش از میلاد کسوفی را پیش بینی کرد. لذا گفته اند در اواخر قرن ۷ و نیمه اول قرن ۶ پیش از میلاد زندگی کرده است.

5- فیثاغورس چگونه یک دستگاه عمیق فلسفی بنیان نهاد؟



فیثاغورس در حدود ۵۷۰ پیش از میلاد در شهر ساموس در منطقه ایونیا متولد شد.

6- ارسطو درباره فیثاغورس و پیروان او چه میگوید؟



هراکلیتوس در حدود ۵۴۰ قبل از میلاد در میلتوس متولد شده و تا حدود ۴۸۰ زندگی کرده است.

از جمله فلسفه آشنا بودند و به مسائل بنیادین هستی نیز توجه می کردند. حتی در آن ایام هنوز کلمه «فیلسوف» برای کسی به کار نمی رفت. در زمان سقراط بود که این کلمه بر سر زبان ها افتاد که بعداً آن را توضیح خواهیم داد.

مورخان فلسفه «تالس» را نخستین اندیشمند یونانی می دانند که اندیشه فلسفی مشخصی داشته است. وی در قرن ششم پیش از میلاد می زیست. از تالس هیچ نوشته ای باقی نمانده است و از روی نوشته های فیلسوفان بعدی برخی از

افکار او را به دست آورده اند. تاریخ تولد و مرگ او مشخص نیست. ولی می دانیم که وی در حدود سال ۵۸۰ قبل از میلاد دقیقاً پیش بینی کرد که در سال ۵۸۵ پیش از میلاد خورشید گرفتگی رخ می دهد و این خورشید گرفتگی در همان زمان رخ داد. تالس که مانند دیگر اندیشمندان آن دوره به دنبال یافتن مبدأ تغییرات و

دگرگونی ها بود، عقیده داشت که آب اولین عنصر و پایه و اساس سایر چیزهاست و همه چیز، در نهایت، از آب ساخته شده است. زیرا او می دید که آب در درجات بالا بخار می شود و در درجات بسیار پایین منجمد و سخت می گردد و وقتی به صورت باران می آید، گیاهان از زمین می رویند. پس اینها هم حتماً شکل دیگری از آب اند.

یکی دیگر از فیلسوفان اولیه، فیثاغورس است. او همان طور که پایه گذار ریاضی و هندسه است، یکی از پایه گذاران فلسفه نیز محسوب می شود. او

ریاضیات را به گونه ای خاص با فلسفه و عرفان در هم آمیخت و یک دستگاه فلسفی عمیق بنیان نهاد. ارسطو درباره فیثاغورس و پیروان او می گوید:

«فیلسوفانی که به نام فیثاغوریان خوانده می شوند، نخستین کسانی بوده اند که خود را وقف ریاضیات کرده و باعث پیشرفت آن شده اند. در نظر آنان، اصول ریاضی درباره تمام موجودات صادق است و اعداد و اصول اعداد، همان عناصر

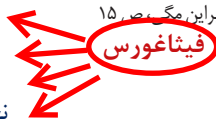
اولی همه موجودات هستند.» می گویند لفظ «فلسفه» را او برای اولین بار به کار برد. وی همچنین واژه «تئوری» را به معنایی که امروزه رایج است و نیز واژه «کیهان» را برای جهان برای نخستین بار استفاده کرد.

اندیشمند دیگر هراکلیتوس است. شهرت وی در تاریخ فلسفه به دلیل دو اندیشه اوست؛ اولی وحدت اضداد است. او عقیده داشت که اموری که با هم

۱. تاریخ فلسفه کاپلستون، ج ۱، ص ۴۳، به نقل از مابعدالطبیعه ارسطو، ۹۸۵، ب ۶۳۳.
۲. «Theory» را بیشتر به نظریه ترجمه کرده اند.

۳. کیهان = Cosmos

۴. سرگذشت فلسفه بر این مکتب، ص ۱۵



پایه گذار ریاضی و هندسه اعداد و اصول اعداد عناصر اولی همه موجودات هستند لفظ فلسفه را برای اولین بار به کار برد نخستین بار واژه تئوری به معنای رایج و واژه کیهان را برای جهان به کار برد

مجتبی محمودی، دبیر فلسفه و منطق شهرستان ایزد

1- شهرت هراکلیتوس در تاریخ فلسفه به دلیل دو اندیشه است، آنها را بیان کنید؟ ← اولی وحدت اضداد است

2- عقیده هراکلیتوس درباره وحدت اضداد را با ذکر مثال توضیح دهید؟

3- عقیده هراکلیتوس درباره تغییر و تحول دائمی جهان را بیان کنید؟

۲ (اموری که با هم ضد هستند، می توانند با یکدیگر جمع شوند؛ مثلاً دامنۀ کوه، هم سربالایی است و هم سرپایینی، دربارهٔ یک لیوان که تا نصف آن آب است، هم می توان گفت نیم لیوان خالی است و هم می توان گفت نیم آن پر است و این دو جمله تضادی با یکدیگر ندارند. پس وجود این اضداد است که جهان را می سازد و گریزی از ستیز و تضاد نیست.)

۳ دومین اندیشهٔ مشهور وی تغییر و تحول دائمی جهان است (او می گفت «همه چیز در سیلان و حرکت است.» هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد. دگرگونی، قانون زندگی و قانون کائنات است، بر همه چیز فرمان می راند و نمی توان از آن گریخت. باید قبول کنیم که «نمی توان در یک رودخانه دو بار شنا کرد.») ۳



بررسی*

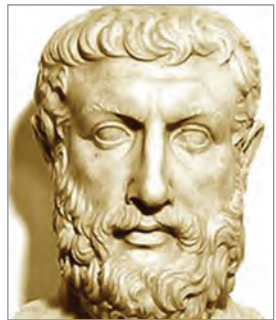
۱ تا چه اندازه این دو اندیشهٔ هراکلیتوس را واقع بینانه و درست می دانید؟

۲ آیا می توان میان این دو اندیشه ارتباطی برقرار کرد؟

۳ آیا می توان گفت که یکی از این دو سبب پیدایش تفکر دوم در نزد هراکلیتوس شده است؟

4- پارمنیدس فلسفه خود را چگونه عرضه کرد و کدام یک از مفاهیم اصلی فلسفه توجه کرد؟

پارمنیدس از اندیشمندان بزرگ این دوره است که بنا به نقل افلاطون، سقراط در جوانی با وی ملاقات کرده است (او فلسفهٔ خود را به صورت شعر عرضه کرده و با بیانی شاعرانه به توصیف عقاید خود پرداخته است. او برای نخستین بار به مفهوم «بودن» و «شدن» (وجود و حرکت) که از مفاهیم اصلی فلسفه هستند، توجه دقیق کرده و تفاوت آن دو را ذکر کرده است) (وی بر خلاف هراکلیتوس، می گفت که هستی، یک امر واحد ثابت است و حرکت و شدن ندارد. او می گفت در جهان واقع، نیستی راه ندارد و نمی توان گفت «نیستی، هست»؛ زیرا این جمله تناقض آمیز است. ما با یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر روبه رو هستیم) (از طریق حواس نمی توان به این واقعیت رسید. تنها با تفکر عقلی است که این حقیقت را می توان دریافت. به عبارت دیگر: حواس فقط همین



پارمنیدس حدود ۵۱۰ قبل از میلاد در جنوب ایتالیا به دنیا آمد. در این منطقه مهاجرتی که از آسیای صغیر آمده بودند، زندگی می کردند.

6- به نظر پارمنیدس چگونه می توان به یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر رسید؟

۱. تاریخ فلسفه کاپلستون، ج ۱، ص ۴۹ تا ۵۹ و سرگذشت فلسفه، براین مگی، ص ۱۴

۲. سرگذشت فلسفه، براین مگی، ص ۱۶ و تاریخ فلسفه کاپلستون، ج ۱، صص ۶۱ تا ۶۷

فلسفه اش را به صورت شعر عرضه کرد

برای نخستین بار به مفهوم بودن (وجود) و شدن (حرکت) توجه دقیق کرد

هستی، یک امر واحد ثابت است

حواس فقط مرتبه ظاهری جهان را نشان می دهد، با عقل می توان به لایه باطنی و حقیقی هستی رسید

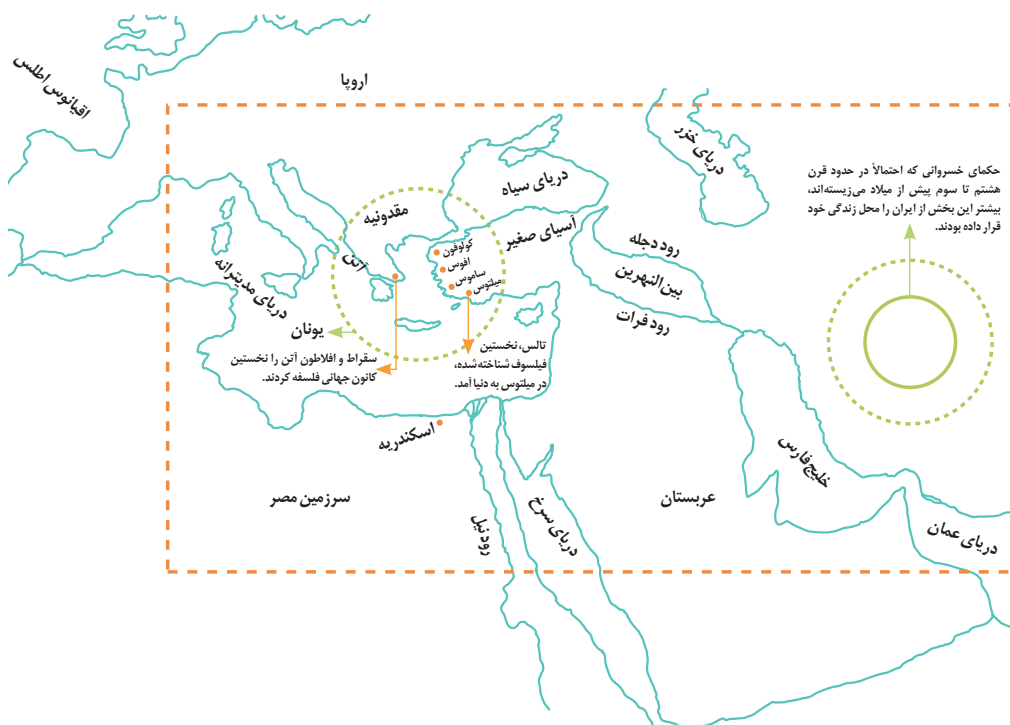
مجتبی محمودی، دبیر فلسفه و منطق شهرستان ایذه

5- دیدگاه پارمنیدس درباره هستی را بیان کنید؟

پارمنیدس

۳۲

مرتبه ظاهري جهان و هستي را نشان مي دهد که نشان دهنده امور مختلف و متغير است. اما با عقل مي توان به آن لايه باطني و حقيقي هستي رسيد که بدون تغيير و جاودانه است. ۶



1- آرا و نظریات گوناگون و غالباً متضاد اندیشمندان یونانی چه نتایجی در پی داشت؟

- 1- سبب شد تا نوعی تشویش و نگرانی بر مردم آن روزگار غالب شود
- 2- بی‌اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه در ذهن مردم پراکنده گردید

بیشتر بدانیم

امپدوکلس^۱ که در نیمه نخست قرن پنجم پیش از میلاد می‌زیست، می‌گفت که جهان از چهار عنصر خاک، آب، هوا و آتش ساخته شده است. بعدها، ارسطو این نظریه را پذیرفت و اساس طبیعت‌شناسی خود قرار داد.

لئوکیپوس^۲ و شاگردش دموکریتوس^۳ (دیمقراطیس) که بین قرن‌های پنجم و چهارم قبل از میلاد می‌زیستند، برای اولین بار واژه «اتم» را به کار بردند. اتم که لفظی یونانی است، به معنای قسمت‌ناپذیر است. اتم‌ها، ذرات ریز تجزیه‌ناپذیری هستند که به چشم نمی‌آیند و بنیاد و اساس اشیا را تشکیل می‌دهند. اشیا موجود در جهان، آرایش‌های مختلفی از همین اتم‌ها هستند. به نظر او هرچه هست اتم و فضا است.

اندیشه*

آیا می‌توانید این استدلال پارمنیدس در خصوص حقیقت واحد و ثابت و جاودان بودن هستی را کامل کنید؟ **صرفاً جهت مطالعه**
اگر چیزی به وجود آید، یا از وجود به وجود می‌آید یا از لا وجود.
اگر از وجود به وجود آید در این صورت قبلاً هست.

در این صورت هیچ چیز نیست

اگر از لا وجود به وجود آید.....
زیرا از هیچ، چیزی به وجود نمی‌آید.

بنابراین: **وجود فقط هست و وجود واحد است**

2- چه چیزی منجر به ظهور سوفیست‌ها شد؟

سوفیست‌ها

اندیشمندانی که تاکنون از آنها سخن گفتیم، عموماً در قسمتی از آسیای صغیر، که آن روزها جزء سرزمین یونان بود، زندگی می‌کردند و هنوز در **آتن**، خبری از دانشمندان بزرگ نبود. اما به تدریج دیدگاه این دانشمندان، آتن، پایتخت یونان را هم تحت تأثیر قرار داد و آتن به مرکز نظریات گوناگون و اختلافات فکری تبدیل شد (آرا و نظریات گوناگون و غالباً متضادی که این اندیشمندان عرضه داشتند، سبب شد تا نوعی تشویش و نگرانی بر مردم آن روزگار غالب شود و بذریعۀ اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه در ذهن ایشان پراکنده گردد).

این آشفستگی فکری به ظهور دانشمندانی منجر گردید که منادی بی‌اعتباری² علم و اندیشه شدند. این گروه که خود را «سوفیست»، یعنی دانشمند می‌خواندند، به این دلیل که سخن اندیشمندان و جهان‌شناسان با یکدیگر متضاد است و آنها نتوانسته‌اند تفسیر درستی از جهان به دست آورند، نظریات آنان را بی‌هوده دانستند و به جای آموزش علوم به فن سخنوری روی آوردند و همان‌طور که گفته شد، به جای رسیدن به حقیقت، پیروزی بر رقیب را هدف قرار دادند و به

انجا رسیدند که اصل حقیقت و واقعیت را انکار کردند.³

3- به چه دلیل سوفیست‌ها اصل حقیقت و واقعیت را انکار کردند؟

بیشتر بدانیم

در یونان آن روزگار اگر کسی می‌خواست صاحب مال و ثروت شود، راه آسان این بود که علیه کسی در دادگاه اقامه دعوی کند و اگر در دادخواهی پیروز می‌شد، به کام خود دست می‌یافت. سوفیست‌ها که استادان سخن بودند، در این دعاوی دستمزد کلان می‌گرفتند و هر مدعی را به کرسی می‌نشانند. آنان کار خود را با مقدمات صحیح شروع می‌کردند و با سخن‌پردازی و مغالطه، حق را باطل و باطل را حق جلوه می‌دادند.³ یکی از فلاسفه به نام «گزنفون»^۴ می‌گوید: «سوفیست‌ها برای دریافت

۱. Empedocles

۲. Leucippus

۳. Democritus

۴. Xenophon

مزد به قصد فریب سخن می گویند و می نویسند و هیچ کمکی به کسی نمی کنند.» نمونه‌هایی از مغالطه کاری آنان در کتاب منطق سال دهم آمده است. بدین ترتیب، این فکر برای آنان پیدا شد که گویا اصلاً حقیقتی وجود ندارد. حق و باطل قابل تشخیص نیست و این سلیقه و خواست افراد است که معین می کند چه چیزی حق است و چه چیزی باطل.

یکی از این سوفیست‌ها پروتاگوراس^۱ بود. وی که در قرن پنجم قبل از میلاد در آتن می‌زیست، با پریکلس^۲، حاکم دانشمند آتن روابط بسیار صمیمانه داشت. او نخستین کسی بود که در مقابل تعلیم و تربیت مزد دریافت می‌کرد. به عقیده وی دانش ثابت و پایدار هرگز به دست نمی‌آید. شعار او این بود: «انسان معیار همه چیز است»، یعنی هر کس به هر اندیشه‌ای رسید، همان درست است، اگرچه صد درصد مخالف با اندیشه دیگری باشد.

در بخش معرفت‌شناسی درباره سوفیست‌ها بیشتر خواهیم خواند.



مشخص کنید اندیشه‌های فلسفی زیر منسوب به کدام فیلسوف است و درباره هر کدام شرح دهید.

۱ اعداد و اصول آنها، ماده اولیه همه موجودات هستند.

نام فیلسوف **فیثاغورس**.....

شرح:

اصول ریاضی درباره تمام موجودات صادق است و اعداد و اصول اعداد، همان عناصر اولی همه موجودات هستند

۲ اموری که با هم ضد هستند می‌توانند با یکدیگر جمع شوند.

نام فیلسوف **هراکلیتوس**.....

شرح: **اموری که با هم ضد هستند، می‌توانند با یکدیگر جمع شوند؛ مثلاً دانه نوره، هم سربالایی است و هم سرازیری**

پس وجود این اضداد است که جهان را می‌سازد

۳ ماده اولیه همه چیز آب است.

نام فیلسوف **تالس**.....

شرح: **آب در درجات بالا بخار می‌شود و در درجات پایین منجمد و سخت می‌گردد و وقتی به صورت باران می‌آید، گیاهان از زمین می‌رویند**

پس اینها هم حتماً شکل دیگری از آب هستند

۴ همه چیز در جهان در تغییر و دگرگونی است و هیچ چیز ثابتی وجود ندارد.

نام فیلسوف **هراکلیتوس**.....

شرح: **همه چیز در سیلان و حرکت است. هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد. دگرگونی قانون زندگی و قانون کائنات است، بر همه چیز فرمان میراند و نمیتوان از آن گریخت. باید قبول کنیم که، نمیتوان در یک رودخانه دو بار شنا کرد**

۵ در جهان هستی دگرگونی وجود ندارد و همه چیز ثابت و واحد است.

نام فیلسوف **پارمنیدس**.....

شرح: **از طریق حواس نمیتوان به این واقعیت رسید. تنها با تفکر عقلی است که این حقیقت را میتوان دریافت. به عبارت دیگر: حواس فقط همین مرتبه ظاهری جهان هستی را نشان می‌دهد که نشان دهنده امور مختلف و متغیر است، اما با عقل می‌توان به آن لایه باطنی و حقیقی هستی رسید که بدون تغییر و جاودانه است**

۱. Protagoras

۲. Prikles